فهرست

[خطبه اول: 2](#_Toc153630567)

[توصیه به تقوا 2](#_Toc153630568)

[محور سخن 2](#_Toc153630569)

[ابعاد شخصیتی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها 3](#_Toc153630570)

[پیشینه جایگاه معرفتی حضرت فاطمه سلام الله علیها 3](#_Toc153630571)

[خطبه دوم 9](#_Toc153630572)

[توصیه به تقوا: 9](#_Toc153630573)

[مناسبات 10](#_Toc153630574)

[محور اول: ایام فاطمیه 10](#_Toc153630575)

[محور دوم: فلسطین 11](#_Toc153630576)

[محور سوم: برنامه هفتم 12](#_Toc153630577)

[سخن پایانی: تکمیل خطبه هفته گذشته 12](#_Toc153630578)

[دعا 14](#_Toc153630579)

# خطبه اول:

السلام علیکم و رحمة الله

أعوذ بِاللَّهِ مِنَ الشَّیطَانِ الرَّجِیمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الذی لا یبلغ مدحته القائلون و لایحصی نعمائه العادون و لا یعدی حقه المجتهدون

و صلاة و السلام عَلَی سَيِّدِنا وَ نَبِيِّنا و حبیب قلوبنا و طبیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا أَبِي اَلْقَاسِمِ اَلْمُصْطَفَی مُحَمَّدٍ وَ علی آلِهِ الأَطیبین وَ لاسیَّما بَقیةِ اللَّهِ فی الأَرَضین

## توصیه به تقوا

أعوذ بِاللَّهِ مِنَ الشَّیطَانِ الرَّجِیمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيم‏

یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

همه شما برادران و خواهران نمازگزار و خودم را در ایام سوگواری فاطمه زهرا سلام الله علیها به تقوای الهی و تأسی به صدیقه طاهره، فاطمه زهرا سلام الله علیها سفارش و دعوت می کنم.

امیدوارم خداوند متعال همه ما را از محبان و عارفان به حق فاطمه زهرا و خاندان پیامبر مقرر بفرماید.

# محور سخن

طبعاً در این ایام مناسب است چند نکته‌ای درباره فاطمه زهرا سلام الله علیها طرح شود و از این رو سلسله بحث‌های گذشته را قطع می‌کنم و به بیان نکاتی درباره این بانوی بزرگ و شخصیت عظیم الشأن خواهم پرداخت.

ما آنگاه که از فاطمه سخن می‌گوییم در برابر چهره‌ای قرار داریم که بسیار بزرگ و رازآلود و دارای ابعاد بسیار گسترده و پیچیده است.

بانویی که بر همه بانوان عالم برتری داشت و بانویی که بر همه مردان و زنان عالم الگو سرمشق است. در این قله و قمّه و در این جایگاه رفیع و منزلت عظیم کمتر مردان عالم هم قرار می‌گیرند، فاطمه زهرا همه مدارج کمال را طی کرد و در جوانی به اوج مراتب انسان کامل نائل شد.

# ابعاد شخصیتی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

فاطمه زهرا سلام الله علیها در ابعاد مختلف از ویژگی‌های فوق العاده‌ای برخوردار است، سابق و در خطبه‌های پیشین هم هر بار به گوشه‌هایی از این عظمت و شکوه الهی که در فاطمه تجلی پیدا کرده است اشاره کردیم، امروز هم در برخی از ابعاد شخصیت فاطمه زهرا به بیان نکاتی خواهیم پرداخت، به استناد پاره‌ای از روایات.

## پیشینه جایگاه معرفتی حضرت فاطمه سلام الله علیها

در روایتی نقل شده است که امام صادق علیه السلام در ذیل یک روایت طولانی می‌فرماید: وَ هِيَ اَلصِّدِّيقَةُ اَلْكُبْرَى وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ اَلْقُرُونُ اَلْأُولَى[[1]](#footnote-1) این روایت در بصائر الدرجات و برخی از دیگر از منابع ما وارد شده است. تعبیر این روایت که طولانی است و در پایان آن چنین است که وَ هِيَ اَلصِّدِّيقَةُ اَلْكُبْرَى وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ اَلْقُرُونُ اَلْأُولَى. او صدیقه کبری است و بر معرفت فاطمه چرخ قرن‌های گذشته چرخیده است.

چرخ‌های گذشته بر چرخ معرفت فاطمه گذشته است و چرخیده است این جمله بسیار بلند و دارای مضمون بسیار عالی و راقی است و در تفسیر این هم احتمالات متعددی ذکر شده است، هر چه باشد این جمله بسیار جمله فوق العاده‌ای است. بر شناخت فاطمه، قرن‌های پیشین و تاریخ بشر چرخیده است. یعنی چه؟ یعنی فاطمه اختصاص به دوره اسلام و عهد طلوع اسلام و بعثت رسول خدا ندارد، فاطمه در قرن‌های گذشته و در تاریخ بشر و در تاریخ رسالت انبیاء جایگاه بلندی داشته است.

جایگاه هم این است که معرفت او چرخ توحید و رسالت و تاریخ انبیاء پیشین بوده است. این جمله کوچکی نیست، همانطور که فاطمه زهرا سلام الله علیها قبل از خلقتش ریشه‌ای در عالم غیب دارد و درباره خلقت پیامبر و ائمه هدی و فاطمه زهرا روایات فوق العاده‌ای داریم همینطور در همین دنیا، قبل از اسلام هم فاطمه مطرح بوده است. یعنی در کتاب‌های آسمانی در سخنان پیامبران گذشته در راه و رسم رسالت و مسیر توحید، فاطمه مطرح بوده است.

پس فاطمه قبل از تولد و قبل از حیات نورانی و مبارک خود دو نشئه دیگر هم مطرح بوده است، یکی نشئه و عالم قبل از خلقت در عوالم غیب که در روایات آمده است و یکی قبل از بعثت پیامبر در تاریخ انبیاء و پیامبران پیشین.

معرفت فاطمه این جایگاه داشته است که تاریخ رسالت در گذشته بر معرفت او چرخیده است، قرون اولی، قرن‌های پیش از این است می‌گوید در طول قرن‌ها عالم بر معرفت فاطمه چرخیده است. این معانی دارد که یکی دو تا را اینجا عرض می‌کنم.

۱- یک معنای آن این است که لَوْلاَكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ[[2]](#footnote-2) ما معتقدیم بر اساس روایات، عصاره خلقت پیامبر و ائمه هدی هستند و جهان خلق شده است برای این عصاره، اگر قرار بود در عالم آن عصاره خلقت و فشرده فضائل و کمالات تجلی نکند، پیامبر و ائمه هدی که قله عالم و فضیلت‌ها هستند، نباشند خلقت انجام نمی‌پذیرفت. پس خلقت انجام پذیرفت برای اینکه خدا نگاه می‌کرد این تاریخ بشری پیش می‌رود از دل این بشر این قله‌ها و عصاره‌های پاکی و فضیلت پیدا می‌شوند. حالا ارزش دارد، ملائکه هم که با خدا محاجّه کردند که برای چه آدم را می‌آفرینی؟ اصل پاسخ این بود؛ درست است که در تاریخ بشر خونریزی است، رذیلت هاست، درگیری هاست، بی‌عدالتی هاست، ظلم هاست، اما در این دامنه قله‌های فضیلتی مثل پیامبر و ائمه وجود دارند که به اینها به تاریخ معنا می‌دهند، ارزش این را دارد که تمام این نظام خلقت برپا شود که در میان بشر این قله‌ها به وجود آیند.

عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ اَلْقُرُونُ اَلْأُولَى یعنی اینکه گردش قرن‌ها و جهان بر فاطمه و اولیای الهی می‌چرخیده است و معرفت اینها این فلسفه عالم خلقت بوده است.

۲- معنای دوم که ظاهرتر است این است که عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ اَلْقُرُونُ اَلْأُولَى یعنی اینکه همه پیامبران الهی مأمور بودند به فاطمه اعتقاد داشته باشند، به فاطمه و خاندان پیامبر مژده دهند یعنی پیامبر خدا، ائمه هدی و فاطمه زهرا جزء اعتقادات ادیان گذشته بوده است، از پیامبر خدا تا ظهور امام عصر اینها یک زنجیره معارف اصیل و بنیادینی است که در طول تاریخ بایست انبیاء به آن اشاره بکنند، آن را مژده دهند و مردم را ولو به نحو اجمال به این آینده و درخشش این انوار الهی در عالم مژده دهند.

یعنی اگر اعتقاد ولو اجمالی به پیامبر و خاندان او نبود، اعتقاد آن‌ها ناقص بود، آن قرون گذشته و ادیان گذشته همه بر حول و محور معرفت فاطمه به عنوان یک چهره بزرگ الهی می‌چرخیده است.

در هر صورت چه معنای اول و چه معنای دوم و چه معانی دیگری اینجا متصور باشد؛ هر چه باشد این جمله حاکی از یک مقام بی‌نظیر درباره فاطمه زهراست، عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ اَلْقُرُونُ اَلْأُولَى. بر حول معرفت فاطمه قرن‌های گذشته چرخیده است.

روایت دیگری که آن هم از روایات مشهوره است و از تفسیر فرات کافی نقل شده است و مرحوم علامه مجلسی در تفسیر آن چهارده وجه ذکر کرده اند، این روایت مشهوره است در ارتباط با سوره قدر، إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ[[3]](#footnote-3) شب قدر معلوم است که چه شبی است خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ[[4]](#footnote-4)، شبی که برتر از هزار ماه و همه عالم است و در آن مقدرات بشر مقرر می‌شود و سایر فضیلت‌هایی که برای بشر گفته شده است، طبق این روایتی که از فرات کوفی نقل شده است؛ هم از امام باقر و هم از امام صادق علیهما السلام نقل شده است این است که اَللَّيْلَةُ فَاطِمَةُ وَ اَلْقَدْرُ اَللَّهُ فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ اَلْقَدْرِ[[5]](#footnote-5)، کسی که حق شناخت فاطمه را به دست آورد، او به شب قدر نائل می‌شود.

بدون فاطمه و شناخت این بانوی بزرگ، دستیابی به حقیقت قدر امکان‌پذیر نیست، فَمَنْ عَرَفَ فَاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِهَا فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ اَلْقَدْرِ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ لِأَنَّ اَلْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا

چرا فاطمه را فاطمه نامیدند، برای اینکه جلال و جبروت و شکوه اسرار وجود فاطمه چنان بلند است که پرده افکنده است جلوی عقل‌ها و بینش دیگران که فاطمه را آن طور که هست، بشناسند.

این تعبیر لیلة القدر که اینجا آمده است و عرض کردم مرحوم علامه مجلسی دوازده یا چهارده وجه ذکر می‌کنند برای اینکه چرا فاطمه را لیلة القدر نامیده اند. آن وجوه را حالا فرصت نیست بپردازیم در فرصت خود محفوظ.

اما یک نکته اینجا هست شبیه روایت قبل و آن نکته این است که شب مخزن اسرار الهی است، خود مسئله شب را در قرآن ببینید؛ شب دو وجه دارد، یک وجه شب آرامش است، آسایش است، آسودگی انسان‌ها برای گرفتن نیرو برای فعالیت‌ها در روز، این یک وجه و روی شب است.

اما شب یک وجه دیگر دارد غیر از این وجه مُلکی و آن وجه ملکوتی است، شب خزینه اسرار خداست، شب هنگامه‌ای است که راه برای اتصال به عالم غیب و عالم قدس فراهم‌تر است، بنابر این شب از نعمت‌های خداست منتهی دارای دو فلسفه ملکی و ملکوتی است.

یک وجه شب، سَکناً لکم، خدا شب را برای آرامش قرار داده است، آسودگی و آسایش خیال و استراحت قرار داده است این وجه دنیوی شب است که بدون آن یک زندگی متعادل و سالم شکل نمی‌گیرد و لذا شب یک نعمت دنیایی بسیار ارزشمند است، اما شب برای اهل معنا و اهل درک و صاحبان درد معنوی یک وجه معنوی و فوق بشری دارد، گویا خداوند در شب زمینه‌ای قرار داده است که راحت‌تر می‌شود انسان‌ها به عالم قدس و عالم غیب پر بکشند، آسان‌تر می‌شود در شب و نیمه‌های شب و سحرگاهان دل به عالم غیب رهسپار شود.

این ویژگی موجب یک وجه معنوی، قدسی، غیبی و عرفانی در شب شده است. مؤمنان و پارسایان کسانی هستند که از وجه دوم شب استفاده می‌کنند، کسی که این وجه و روی دوم شب را نمی‌فهمد همان است که در روایت آمده است کجیفة آدم‌های پایین و پست کسانی هستند که تمام شب مثل یک مردار در بستر افتاده‌اند و دلشان ناآگاه از اسرار شب و عالم غیب است. این شب مردگان است، شب جیفه هاست طبق تعریف امیرمؤمنان سلام الله علیه. ولی برای متقیان شب همان است که در خطبه متقین گفته شده است، شب هنگام بیدار می‌شوند، باللیل هم یستغفرون، دلشان به عالم دیگر متصل می‌شود. این شب است

بنابراین شب ذاتاً اگر همراه با آگاهی و هوشمندی باشد یک نعمت و یک شاه راه بزرگی است که انسان‌ها را به عالم غیب فرا می‌خواند. اما در میان شب‌ها، شبی مثل قدر پیدا می‌شود، شب قدر دیگر اوج اسرار الهی است.

از یک راز آلودگی عجیب برخوردار است، فاطمه هم یک چهره هم آشکار است و هم نهان است، وجود فاطمه همان السر المستودع فیها است. اسراری در فاطمه قرار دارد که دیگران نمی‌دانند، آن اسرار بخشی از آن در مصحف فاطمه تجلی کرده است و در دست ائمه هدی می‌چرخد، فاطمه سر خداست، جوان کم سن و سالی مثل فاطمه آن قدر در مدارج غیب پیش رفته است که سرالله شده است، السرّ المستودع فیها، او سر چشمه شکل گیری و تولد ائمه هدی است، مادر پدر، این مادر پدر بودن یک مبالغه نیست، این مبتنی بر همان سر الهی است که در فاطمه است واقعاً مقام فاطمه مقامی بوده است که پیامبر هم به او تکیه می‌داده است.

امیرمؤمنان بر او اعتماد می‌کرده است و کوثر جوشانی بود که از او آن همه ستارگان درخشان و ائمه هدی به وجود آمدند، این سر را خداوند در او قرار داده است، او مخزن اسرار الهی است.

نکته سوم آن مقام و مرتبت سیاسی و اجتماعی بود، خطبه فدکیه فاطمه، خطبه‌ای نبود که در یک زمانی، گوشه‌ای ایراد بشود و تمام، بلکه سخنرانی بود که تاریخ را تکان داد، تاریخ ساز بود، ماندگار شد در تاریخ، وقتی که فاطمه به مسجد آمد، تمام مسجد لرزید، نه! همه تاریخ لرزید، همه آیندگان لرزیدند، اگر حضور فاطمه و سخنان بلند و حماسی فاطمه نبود، امکان داشت مسیر امامت و ولایت در تاریخ دفن شود، آن نوع فروغ و درخشش نداشته باشد.

البته فاطمه به دلیل بد عهدی و پیمان‌شکنی مردم مدینه نتوانست، در را بر پاشنه خود قرار دهد، جامعه را در مسیر درست ولایت قرار دهد، اما در مقام نظر و تئوری، در مقام ایده و اندیشه، فاطمه پیروز میدان بود، چرا که همه تدبیرها و توطئه‌ها برای آن بود که ندای ولایت را خاموش کنند. چنان فضا را غبارآلود کنند که آیندگان نفهمند علی یعنی چه؟ فاطمه یعنی چه؟

فاطمه زهرا با خطبه فدکیه خود حق را اعلام کرد و مشعل درخشان ولایت را در تاریخ روشن کرد.

ذکر مصیبت

در پایان این عرایض و این خطبه یک حدیثی که این روزها در جاهای دیگر هم خوانده‌ام محضر شریفتان عرض می‌کنم که نوعی توجه و ذکر مصیبت هم هست.

این حدیث شریف در مجلس هشتم امالی شیخ طوسی آمده است و سند بسیار معتبر و صحیحی دارد. در این حدیث شریف معتبر برید عجلی که از روات شناخته شده و بسیار معتبر هست از امام صادق علیه السلام این جمله‌ها را نقل می‌کند؛ دقت بفرمایید؛

لَمَّا تُوُفِّیَتْ خَدِیجَةُ جَعَلَتْ فَاطِمَةُ (صَلَوَاتُ اَللَّهِ عَلَیْهَا) تَلُوذُ بِرَسُولِ اَللَّهِ صَلَّی اَللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ طبق این نقل صحیح امام صادق علیه السلام اینجور فرمودند: وقتی که خدیجه از دنیا رفت، چه زمانی خدیجه از دنیا رفت؟ دهم بعد از بعثت، چند سال قبل از هجرت، حضرت خدیجه بانوی بزرگی بود که تکیه گاه اسلام و رسالت بود و تمام عمر او هم قبل از هجرت و گشایش‌ها سپری شد، تمام عمر خود را بعد از بعثت رسول خدا در رنج و محنت و آلام سپری شد، از شعب ابی طالب و دیگر حوادث تلخ تاریخ قبل از هجرت، همه جا، خدیجه سردار بزرگی در کنار پیامبر خدا بود. در خانه پیامبر هم جز یک دختر و دردانه عزیزی چون فاطمه نبود، سختی‌های اجتماعی، مشکلات سیاسی، دشواری‌های بعثت رسول خدا از یک سو، فاطمه هم یک دختر کوچکی که از تولد تا وقت ارتحال مادر، همیشه در رنج آلام و مصیبت ها، حالا این دختری که هفت هشت‌ساله است طبق نقل مشهور، این روایت می‌گوید: وقتی که خدیجه از دنیا رفت، جَعَلَتْ فَاطِمَةُ (صَلَوَاتُ اَللَّهِ عَلَیْهَا) تَلُوذُ بِرَسُولِ اَللَّهِ صَلَّی اَللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ تَدُورُ حَوْلَهُ[[6]](#footnote-6)، این دختر نازنین کوچک وقتی که مادرش از دنیا رفت، در آن سختی‌ها و غربت‌ها و تنهایی‌ها، پناه به پدر آورد و دور پیامبر می‌چرخید می‌گفت پدرجان مادر من کجاست؟ سراغ از مادر می‌گرفت، یگانه دختر در شرایط سخت و تنهایی‌ها به پیامبر پناه آورد و می‌گفت: أَیْنَ أُمِّی، مادر من کجاست؟ این قصه بسیار دردناک بود، درد این قصه آنقدر بود که عالم عرش را تکان داد، فَنَزَلَ جَبْرَئِیلُ (عَلَیْهِ اَلسَّلاَمُ) این حادثه آنقدر تکان دهنده بود که جبرئیل نازل شد، فَقَالَ لَهُ: رَبُّکَ یَأْمُرُکَ أَنْ تُقْرِئَ فَاطِمَةَ اَلسَّلاَمَ گفت خدا مرا مأمور کرد و پیام فرستاد که تو مأموری که سلام مرا به فاطمه برسانی و به او بگویی مادر تو در یک جایگاه بلندی است وَ تَقُولَ لَهَا: إِنَّ أُمَّکِ فِی بَیْتٍ مِنْ قَصَبٍ، کِعَابُهُ مِنْ ذَهَبٍ، وَ عُمُدُهُ یَاقُوتٌ أَحْمَرُ، بَیْنَ آسِیَةَ وَ مَرْیَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ، این حال فاطمه بود و نزول جبرئیل و آرامشی که به او داد.

حالا این دختر هفت هشت‌ساله چه برخوردی کرد؟ این بزرگی روح فاطمه است؛ فرمود: فَقَالَتْ فَاطِمَةُ (عَلَیْهَا اَلسَّلاَمُ): إِنَّ اَللَّهَ هُوَ اَلسَّلاَمُ، وَ مِنْهُ اَلسَّلاَمُ، وَ إِلَیْهِ اَلسَّلاَمُ. همه سلام‌ها از خداست، گویا فاطمه فرمود من پیام خدا را دریافت کردم، این عظمت فاطمه است برای گریه او جبرئیل نازل می‌شود، پیام از خدا می‌آورد و فاطمه کودکی که به عظمت تاریخ بزرگ است می‌گوید إِنَّ اَللَّهَ هُوَ اَلسَّلاَمُ، وَ مِنْهُ اَلسَّلاَمُ، وَ إِلَیْهِ اَلسَّلاَمُ.

السَّلاَمُ عَلَیْکِ أَیَّتُهَا الصِّدِّیقَةُ الطَّاهِرةُ

آن لحظه‌های جانسوزی بود که دور پیامبر چرخیدی و مادرت را صدا می‌کردی، این لحظه‌ها وقتی بود که در تنهایی تو پدر را صدا می‌کردی و از مادر می‌پرسیدی، لحظاتی را هم به یاد آوریم که فرزند عزیز تو در قتلگاه صدا می‌زد مادر، فاطمه

أَلَا لَعنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلظَّالِمِينَ

وَسَيَعلَمُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ أَيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّیطَانِ الرَّجِیمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

صَدَقَ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيم

# خطبه دوم

أعوذ بِاللَّهِ مِنَ الشَّیطَانِ الرَّجِیمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

اَلْحَمْدُ للّهِ عَلى ما اَنْعَمَ، وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلى ما اَلْهَمَ

وَ الصَّلاةُ وَ اَلسَّلاَمُ عَلي سَیِدنَا وَ نَبیِنَا العبد المؤید و الرسول المسدد الْمُصْطَفَی الأمجَد أبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِالْمُؤْمِنِينَ وَ عَلَى الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ عَلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ عَلَى أَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ الْخَلَفِ الْقائِمِ الْمُنتَظَر

ساسَةِ العبادِ وَ اَركانَ الْبِلادِ وَ اَبْوابَ الْاْيِمانِ وَ اُمَناءَ الرَّحْمنِ وَ سُلالَةَ النَّبيِيّنَ وَ َصفْوَةَ الْمُرْسَلينَ وَ عِتْرَةَ خِيَرَةِ رَبِّ العالَمينَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ

# توصیه به تقوا:

أعوذ بِاللَّهِ مِنَ الشَّیطَانِ الرَّجِیمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه

انسان در مسیر پیشرفت و کمال معنوی و سعادت، با دو مانع مواجه است، یکی علاقه‌های دنیوی و دیگری کینه‌ها و عداوت‌های دنیوی.

بسیاری از مواقع انسان سقوط می‌کند، نمی‌تواند پیش رود، به خاطر اینکه علاقه‌ها و محبت‌های مادی و دنیوی او را از حق و عدالت جدا می‌کنند و مواقعی دیگر دشمنی‌های دنیایی ما را از حق و عدالت جدا می‌کنند.

انسان باید خیلی توانا باشد که علاقه‌های شخصی و دوستی‌های دنیوی او را از عدالت بیرون نبرد.

دشمنی‌های شخصی، عداوت‌های دنیوی او را از جاده عدالت بیرون نبرد. بسیاری از گناهان و معصیت‌ها به دلیل این است که ما تحت تأثیر موج علاقه‌های شخصی قرار می‌گیریم، منفعت‌های شخصی چشم و گوش ما را می‌بندد و ما را به سمت گناه سوق می‌دهد، رفیق شخص با او دوستی دارد به خاطر او موازین قانونی و عدالت را زیر پا می‌گذارد یا با دیگری دشمنی دارد به خاطر دشمنی شخصی حق او را نمی‌بیند.

از این جهت است که حب و بغض اگر دنیایی بود و مانع از انجام وظیفه شد، این خلاف مسیر تقوا را ترسیم می‌کند.

انسان متقی کسی است که بر خویشتن غالب شده است، هواها و محبت‌های شخصی و دنیایی و دشمنی‌ها و کینه‌های دنیوی او را از جاده عدالت بیرون نمی‌برد.

وقتی که می‌گوییم اتق الله، از خدا بترسید، خدا را هراس داشته باشید، خدا را رعایت کنید، یعنی این علاقه‌ها و دشمنی‌ها را کنترل کنید، حب و بغض خدا را بر اساس غیب و عالم معنا تنظیم کنید.

این آیه هم می‌فرماید اگر دشمنی داشتید مبادا دشمنی شما، شمار را از مرز عدالت بیرون برد، اگر دوستی داشتید در آیات دیگر، دوستی‌های شخصی شما را از عدالت بیرون ببرد.

چرا غضب فاطمه، غضب الله است برای اینکه فاطمه حب و بغضش را بر مدار خدا تنظیم می‌کرد.

درجه اول تقوا این است که حب و بغض‌های دنیوی را ملاک قرار ندهیم. اما درجه بالاتر آن این است که چنان در آرمان‌های الهی ذوب بشویم، چنان در اهداف و دستورات خدا محو شویم که دوستی و دشمنی ما، بر آن مدار بچرخد، اتق الله، در رتبه یک یعنی این حب و بغض‌های شخصی‌تان را ملاک قرار ندهید.

اتق الله در رتبه بالاتر، بیایید بالاتر و علاقه‌ها و دشمنی‌های خود را بر محور ارزش‌های الهی تنظیم کنید.

خدایا به همه ما توفیق تقوای الهی و سیر در مدارج تقوا را عنایت و کرامت بفرما.

# مناسبات

## محور اول: ایام فاطمیه

در محور اول چند نکته را عرض می‌کنم و محور اخیر [پیرامون] بعضی از [مسائل] منطقه مباحث خطبه سابق را تکمیل خواهم کرد.

ایام فاطمیه را تسلیت عرض می‌کنم و شهادت جمعی از نیروهای انتظامی را تسلیت عرض می‌کنم و این نوع حوادثی که اتفاق می‌افتد همه هشدار دهنده است که اگر وحدت و همبستگی و هوشیاری و بصیرت لازم را از دست دهیم موجب لطمه‌های شدید به کشور و رواج ناامنی پیدا می‌کند.

از این جهت است که درود می‌فرستیم به ارواح این شهدا و همه شهدای عالیقدر و امام شهدا و درود می‌فرستیم به محضر فاطمه زهرا سلام الله علی‌ها و تقدیم می‌کنیم صلواتی به محضر آنان، اللهم صل علی محمد و آل محمد

## محور دوم: فلسطین

در مورد فلسطین و غزه در دو خطبه سابق ابعاد مختلف این داستان تشریح شد باز هم باید اینجا عرض کنیم که گاهی این سؤال مطرح می‌شود که برای چه حماس و محور مقاومت وارد این درگیری شد، حوادث متاخر از این قصه عمق مسئله را و وجه پیشدستی حماس را نشان داد.

واقعاً آنچه که در این ایام در غزه اتفاق افتاد، بایستی تاریخ را تکان دهد، این همه ظلم، این همه جنایت، این همه درندگی، این همه وحشی گری، این همه قساوت در برابر ملتی که حق او سکونت در سرزمین تاریخی اوست، اعراب، دولت‌های عرب، جوامع اسلامی نمی‌خواهند بیدار شوند که مقابل آن‌ها چه گرگ‌های درنده‌ای قرار دارند؟

گرگ‌هایی که به هیچ کس رحم نمی‌کنند، بیمار در بیمارستان، بچه در دامن مادر، زنان در حال وضع حمل، عمق خانه‌های کوچک مردم مظلوم غزه همه در معرض یک درنده‌گری و وحشی‌گری و خوی شیطانی است.

این واقعیتی است که در اسرائیل نهفته است، مطمئن باشید که اگر غزه و حماس و محور مقاومت پیشدستی نمی‌کرد و در آینده هم اگر در میدان نماند این خوی وحشی‌گری، دمار از فلسطینیان فقط نه، دمار از روزگار ملت‌های مسلمان در می‌آورد.

خیلی عجیب است اسرائیل و آمریکا در همین قطعنامه اخیر که تقریباً همه کشورهای دنیا، حتی آن‌هایی هم که ما آن‌ها را چندان قبول نداریم به آتش بس غزه رأی دادند اما امریکا نه.

این وجه شعار و صدای رسا و فریاد بلند ملت ایران است که می‌گویند مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل این خوی واقعی اینهاست، آن وحشی‌گری، آن قساوت، آن بی‌رحمی، بعد هم قطع کردن همه راه‌ها برای رسیدن غذا و تامین نیازهای اولیه جمعیت بزرگی که صاحبان حق در آنجا هستند.

آن حرکت را اگر حماس انجام نمی‌داد این وحشی‌گری یک روزی سراغ اینها می‌آمد کما اینکه روزگارهای قبل آمد، هر جا اینها وارد شدند پیروز شدند، پیش رفتند، این محور مقاومت بود که مقابل اینها ایستاد و موفق شد.

امروز هم روزگار سختی است، همه ما می‌سوزیم برای برادران دینی خودمان برای انسان‌هایی که در این مصیبت‌های سخت اسیر هستند اما در عین حال راه مقاومت است.

دکترین انقلاب اسلامی در فلسطین برگرفته از سخن رهبری است که انتخابات آزاد میان فلسطینیان اصلی، اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی و تعیین سرنوشت و نوع حکومت در آنجا توسط مردم، این را تن ندادند هفتاد و پنج سال است و الان به اوج قساوت رسیده اند، دولت‌های اسلامی این را بدانند، ملت‌های مسلمان البته این را می‌دانند، اقدامات عظیمی که در طول این دوره در دنیا انجام شد تا کشورهای اسلامی یک زنجیره نورانی مبارک از مقاومت در برابر ظلم و ستم بود و امیدواریم این راه ادامه پیدا بکند و شر دشمنان اسلام برگردد.

همه باید بدانند هویت جهان اسلام و تمامیت امت در معرض کینه ورزی و دشمنی دشمنان قرار دارد و با این درنده خویی راهی جز مقاومت، وحدت و همبستگی امت اسلام در برابر دشمنان نیست.

## محور سوم: برنامه هفتم

موضوع دوم هم ایامی است که برنامه هفتم کشور در حال بررسی است و نهایی خواهد شد، امیدواریم که دولت مردان ضمن تقدیر و تشکر از خدماتی که انجام می‌دهند، هم دولتمردان و هم مردان بدانیم که راه رفته‌ای داریم که درخشش و پیشرفت‌های بزرگی داشتیم و البته مشکلات و آسیب‌هایی داریم که باید به هر دو نگاه بکنیم و راه ترقی و پیشرفت را طی بکنیم

در این مسیر همبستگی، مبارزه با فساد، مبارزه با فساد اداری، مبارزه با هر چه موجب تبعیض و فروریزی ارزش هاست، این راهی است که باید طی بکنیم و امیدواریم خداوند به دولت و مسئولان و ملت ما توفیق خدمتگزاری و همراهی در این مسیر نورانی عنایت بفرماید.

در این مسیر نقش جوان و نوجوانان، نقش برجسته‌ای است که آن را باید مغتنم شمرد.

## سخن پایانی: تکمیل خطبه هفته گذشته

اما در پایان سخن دقایق کوتاهی، بعضی از نکاتی که در هفته قبل در ارتباط با مسائل منطقه و استان گفته شد آن را تکمیل می‌کنم. انشاء الله به صورت کوتاه.

آن هفته من در خطبه دوم با الهام گرفتن از برنامه‌های طراحی شده و با آنچه که مردم آن را مطالبه می‌کردند هفت، هشت نکته را بیان کردم و امیدوارم که آن نکات کلی به عنوان راهبردهای اساسی برای پیشرفت منطقه و معالجه آسیب‌ها مد نظر همه ما و مسئولان و همه ما قرار بگیرد. به آن‌ها بر نمی‌گردم، هفت هشت نکته کلیدی و اساسی بود.

اما چند نکته دیگر را تکرار یا تأکید می‌کنم

۱- بعد از خطبه هفته قبل آقای استاندار تشریف آوردند با ایشان محورهای متعددی مطرح شد، از جمله مهمانشهر جدید، انتقال مهمانشهر، کانون‌های محله ای، برای کنترل آن آسیب‌هایی که گاهی وجود دارد و مردم هم مطالبه دارند و طرح کنترل کارگران در صنایع، این چند مسئله با ایشان مطرح شد، آقای نماینده محترم، فرماندار محترم، حضور داشتند و قرار شد این چند محور با مجوز‌هایی که صادر می‌شود دنبال کرد، جلسات متعدد دیگری هم برگزار شد از شورای تامین تا دوستان عزیزمان از بیده و بعضی مناطق دیگر و جلساتی با دستگاه قضایی که انشاءالله آن گفتگوها و مصوبات پیگیری بشود.

در میان اینها چند مسئله است که باید تأکید کنیم، یکی مقوله محیط زیست است. محیط زیست مقوله‌ای است که استان به نحو علمی و قاطع پای آن بایستد، متاسفانه گاهی شاهد هستیم چیزی می‌گوید اما مجموع استان آن قاعده رعایت نمی‌شود، آن وقت یک منطقه‌ای رعایت بکند عقب می‌ماند، رعایت نکند محیط زیست آلوده‌تر می‌شود

بنابراین محیط زیست نگاه علمی جامعی می‌خواهد البته از اقدا تا مهریز منطقه ممنوعه و قرمز است، بسیار از صنایع دیگر اجازه داده نمی‌شود، خیلی از محورها هم جلویش گرفته شده است، این باید قوی‌تر باشد و یکپارچه و عادلانه.

من معذورم که جزئیات این مسئله را بگویم اما مطمئن باشید توجه خواهد شد.

از طرف دیگر جوان و جامعه باید به سمت صنایع پاک و صنایع دانش بنیان حرکت بکند و در استان یزد و میبد از جمله در حوزه سرامیک باید به سمت تولید قطعه برویم و ماشین سرامیک و دیگر صنایع پاک و دانش بنیان.

این دو نکته کلیدی در محیط زیست است.

نکته سوم هم صنایع هستند، خوشبختانه جلساتی هم صنایع داشتند که من تشکر می‌کنم، صنایع مسئول هستند که نگاه محیط زیست را تقویت بکنند، هزینه بکنند، سرمایه‌گذاری بکنند که محیط زیست پاک بشود و پاک‌تر بشود از این وضعی که از اردکان تا یزد گرفته، شرایط بحرانی را به وجود آورده است.

این دو سه نکته در محیط زیست است که واقعاً همه باید توجه بکنیم جزو محورها بوده است، عرض کردم بسیاری از چیزها جلویش گرفته شده است در همین سال‌های اخیر اما در عین حال نیاز به یک‌خیز و حرکت جدید دارد.

یکی هم مسائل محلات است و کنترلی که باید اعمال بشود، دوستان بسیج شروع کردند و برای من هم پیام دادند، گزارش فرستاده بودند، آقای فرماندار محترم دنبال هستند و آقای استاندار هم در جریان قرار گرفتند، مردم هم باید کمک بکنند. کانون‌هایی در محلات باشد با هماهنگی فرمانداری برای کنترل این اسکان‌ها و مهاجرت‌هایی که می‌آید وضع فرهنگی آن‌ها را تخریب می‌کند و مشکلاتی ایجاد می‌کند.

این هم یک بحثی است که کارهایی را شروع کردند انشاءالله با سرعت و جدیدت پیگیری شود انشاءالله.

فردا هم فرهنگ عمومی و هم شورای آموزش و پرورش تنظیم کردند، مسائل مختلفی که جزء خواسته‌ها و پیگیری‌ها بوده است آنجا بررسی خواهد شد و این هفت هشت موضوعی که هفته قبل عرض کردم انشاءالله دوستان دنبال می‌کنند و مطالبه مردم، جوان‌ها و بیداریشان و هوشیاری‌شان در مسائل خیلی چیز مغتنمی است.

ما در همه آسیب‌های اجتماعی نیازمند هستیم که مسجد و محله و پایگاه و مردم و جوان فریاد بزنند وقتی می‌بینند آسیب آمده، طلاق بالا رفته، سن ازدواج بالا رفته است، اعتیاد پیدا می‌شود و امثال اینها، مسائل مهمی است که باید توجه کنیم.

این هم با استاندار صحبت شد؛ صنایع هم در استخدام کارگران، چه از اتباع و چه از غیر اتباع باید وضع فرهنگی آن‌ها را ببینند و ما همه باید هوشیار باشیم که شرایط فرهنگی ما شرایط نابهنجار نشود، بحث حجاب، بحث طهارت و ارزش‌های خانوادگی و ارزش‌های اجتماعی چیزهایی است که همه باید در آن زمینه هوشیار باشیم و‌ای کاش در همه مسائل و قضایا همه ما در کنار هم با هوشیاری عمل بکنیم انشاءالله.

# دعا

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم الاعز الاجل الاکرم یا الله…

اَللّهُمَّ ارْزُقْنا تَوْفیقَ الطّاعَةِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِیَةِ وَ صِدْقَ النِّیَّةِ

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان و معرفت روشن بفرما.

گناهان ما را ببخش

اموات و درگذشتگان ما را ببخش و بیامرز.

اموات و درگذشتگان این جمع، شهدای عالیقدر، شهدای این جمع، امام شهدا را با اولیای خودت محشور بفرما.

گرفتاری‌های ملت و مردم عزیز ما و امت اسلام را مرتفع بفرما.

شر دشمنان را به خودشان باز بگردان

باران رحمت و برکاتت را بر ما نازل بفرما.

سلام ما را به محضر فاطمه زهرا سلام الله علی‌ها و اولیای خودت ابلاغ بفرما.

بر فرج نورانی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه تعجیل بفرما.

أعوذ بِاللَّهِ مِنَ الشَّیطَانِ الرَّجِیمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

اللَّهُ الصَّمَدُ

 لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

و السلام علیکم و رحمة الله

1. - الأمالي شیخ طوسی، ج ۱، ص ۶۶۸ [↑](#footnote-ref-1)
2. - الوافي، ج ۲، ص ۷۲. [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره قدر، آیه 1 [↑](#footnote-ref-3)
4. - همان، آیه 3 [↑](#footnote-ref-4)
5. - تفسير فرات الکوفي، ج ۱، ص ۵۸۱ [↑](#footnote-ref-5)
6. - أمالي شیخ طوسی، ج ۱، ص ۱۷۵. [↑](#footnote-ref-6)